

۱۴ امرداد سالروز مشروطه در ایران

* جنبش مشروطه ایران در آذرماه ۱۲۸۴ خورشیدی آغاز شد و در امرداد ماه ۱۲۸۵ به بار نشست. جشن مشروطه را به همه ی ایراندوستان شاد باش می گویم.



نمای بیرونی گزینستان (مجلس شورا)

* گویند واژه ی مشروطه برگردانِ واژه ی کنستیتوسیون Constitution می باشد که واژه ایست فرانسوی، ولی ریشه ی آن به درستی روشن نیست.

در باره ی واژه ی مشروطه دیدگاه های گوناگونی هست:

- استاد عبدالهادی حائری { ۱۳۱۴ - ۱۳۷۲، استاد دانشگاه فردوسی سناباد (مشهد) بوده است.}، این واژه را عربی و از کارواژه ی (مصدر) شرط دانسته است،

- تقی زاده و رضازاده شفق آنرا در چَم (به معنی) منشور دانسته اند،

- دهخدا را باور بر این است که مشروطه برگرفته از واژه ی فرانسوی شارتر Chartre در چم حکومت قانون می باشد که نه در عربی و نه در فارسی

کاربرد نداشته و از راه ترکان عثمانی، به زبان فارسی راه یافته است،

- برخی از بزرگان زمان قاجار مانند سعدالدوله و صادق آقا تبریزی واژه ی مشروطه را برگردانی نادرست دانسته و درست تر می دانستند همان واژه ی کنستیتوسیون Constitutionb را به کار ببرند.

* جنبش مشروطه ایران رویدادی است که در هازمان (جامعه) کشور ما کارسازی بسیار داشته و دگرگونی های ژرفی، هم در سیاست و هم در زندگی مردم ایران پدید آورده است. اگر از دید سیاسی آن را بررسی کنیم می بینیم که بر سلطنت مطلقه پایان داده و پادشاهی مشروطه را برپا کرده است. این جنبش از سالها پیش آغاز شده بوده و امرداد ۱۲۸۸ را می توان پایان آن دانست.

* شوربختانه آن دگرگونی بنیادینی که آغازگران این جنبش می خواستند، برآورده نشد. چرایی آن را اینگونه می توان برشمرد: آخوندها یا به گفته ی آن زمان روحانیون که به درازای سدها سال، از چپ و راست بر مردم فرمان رانده و در همه ی بخش های زندگی آنان رخنه کرده بودند، به سادگی از زورمندی هایی که داشتند، دست برنداشتند. آنان توانستند با هزار و یک ترفند همچنان برجای بمانند و اداره ی کشور، جز در چند راستا، به همان کسانی سپرده شد که وابسته به سامانه ی پیشین بودند.

* در این نوشتار از نخش زنان در جنبش مشروطه هم می باید یاد کرد. زنان ایران در بزنگاه های مهین (مهم) تاریخی به میدان آمده اند. ولی شوربختانه همیشه کوشش های آنان در هزار توی برگ های تاریخی پنهان نگه داشته شده است.

عین الدوله برای ماهر کردن رخدادها، دستور داد که نگذارند زنان از خانه هایشان بیرون بیایند. مزدوران او هر زنی را که می دیدند، دستگیر می کردند. در این باره حاج سیاح نوشته است: « در زندان های دولتی از زنان مبارز کم نبودند. » یاد آور می شویم که دستور عین الدوله سودی نبخشید، زیرا هنگامی که مردم آهنگ بست نشستند در شاه عبدالعظیم را کردند، زنان بسیاری کفن پوشیده و با سینه زنی و مویه سرایی به بازار آمده و وارون خواست دولت، بازار را بستند. با همه ی اینکه به زنان ایران حق رای دادن و انتخاب شدن داده نشد، ولی از میدان پدافندی (دفاع) از جنبش مشروطه بیرون نرفتند.



این فرتور (عکس) در یکی از رسانه های زمان جنبش مشروطه چاپ شده است. دست راست زنانی را نشان می دهد که رو به مردان کرده و می گویند: « اگر خسته شده اید، کنار بروید تا ما زنها این درخت را از ریشه برگنیم.»

* ریشه ی جنبش مشروطه خواهی را می باید در جوانان ایرانی آن زمان، جستجو کرد. آنان جوانانی بودند که برای آموزش یا کارهای بازرگانی به اروپا رفته و از نزدیک پیشرفت کشورهای اروپایی را دیده بودند. این جوانان پس از برگشت به میهن، کوشیدند تا مردم را بیدار نمایند. ناگفته نماند که، دو تن به نام های **سید محمد طباطبایی** و **سید عبداله بهبهانی** که هر دو **مرجع تقلید**، ولی از مردان روشن اندیش بودند، در بیدار کردن مردم نقش بزرگی را بازی کردند. دستاورد این کوشش ها دستینه (امضاء) شدن **فرمان مشروطیت** به دست **مظفرالدین شاه قاجار** و برپایی گزینستان (مجلس شورا) شد. در این گزینستان نخستین **قانون اساسی مشروطه** نوشته شد.

* با این پیروزی که اسپاش (فضای) آزادی باز شده بود انجمن ها، رسانه ها، روزنامه ها، و ... می توانستند از سنت های کهن، خرده گیری کنند. تا جایی که برخی از آنان این پروانه را به خود می دادند که کارهای **محمدعلی شاه**، پادشاه کشور را زیر پرسش ببرند. ولی در برابر آزادیخواهان، گروهی از آخوندهای شیعه با قانون اساسی سرناسازگاری داشتند. یکی از آنها **شیخ فضل الله نوری** نام داشت که آزادی رسانه ها با خوی و خیم او هیچ سازگاری نداشت. او و همپالکی هایش در سال ۱۲۸۶، نامه ای به **محمدعلی شاه** نوشته و گزینستان (مجلس) را به باد نکوهش گرفتند. در نامه ی یاد شده آورده بودند: « مجلسی که با الگو برداری از قوانین پارلمان های اروپایی تشکیل شده است، با قواعد اسلامی منافات دارد و ممکن الجمع نیست.»

* **محمدعلی شاه** که چندین بار کوشیده بود تا گزینستان (مجلس شورا) را برچیند، و نتوانسته بود، سرانجام در تاریخ دوم تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی برابر با ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ ترسای دستور داد تا گزینستان را به توپ ببندند. اینکار به دست **نیروهای بریکاد قزاق روسی** به فرماندهی **کلنل ولادیمیر لیاخوف** انجام گرفت. هر چند که **محمدعلی شاه** گفته بود که گزینستانی دیگر برپا خواهد کرد، ولی کسی گفته ی او را باور نکرد. مردم شهرهای **تبریز، گیلان، اسپهان** به یاری مردم **تهران** آمده و توانستند **محمدعلی شاه** را برکنار کرده و نظام **مشروطه** را زنده کنند. جا دارد به یاد بیاوریم که بسیاری از روشن اندیشان ایرانی که از کشور بیرون رانده (تبعید) شده بودند، از **مشروطه خواهان** پشتیبانی و آنها را راهنمایی می کردند.



نمای گزینستان (مجلس شورا) پس از به توپ بسته شدن

* همزمان با مشروطه خواهی در ایران، جنبش ادبی تازه ای هم در زبان پارسی آغاز شد که پایه ی آن بیشتر بر دگرگونی های سیاسی و هازمانی (اجتماعی) استوار بود. سُرّایندگان و نویسندگان آن زمان، ستیز با خودکامگی و میهن پرستی را آرمان خود دانسته و در سروده ها و نوشته هایشان آن را پیش چشم خود داشتند. در این زمان روزنامه نگاری رواگ بسیاری یافت. جدا از آن، روزنامه های پنهانی هم پخش می شد که به شب نامه پراوازه بودند. پایه گذار شب نامه ها، بیشتر انجمن های سیاسی بودند.

* احمد کسروی سرچشمه ی مشروطه را بیداری ایرانیان می داند. دیدگاه کسروی از به کار بردن بیداری ایرانیان اینست که بگوید مردم ایران از پس ماندگی و ناتوانی هایشان در برابر جهان پیشرفته آگاه بودند و آن را از چشم پادشاهان خودکامه ای می دانستند که، مانند اروسک های خیمه شب بازی سر نخشان در دست آخوندها بوده است. کسروی در نَسک (کتاب) تاریخ مشروطه ایران می نویسد:

« پس زوی ایران پس از کشته شدن نادرشاه ایران آغاز شد.» در همان زمان در کشورهای اروپایی دگرگونی های بزرگی رخ داد. انقلاب فرانسه، پیروزی های ناپلیون، نو آوری ها و شیگرد (تکنیک) های تازه پدید آمدند.

* در ایران دو نیروی پُر توان آن روز: انگلستان و روسیه که یکی در مرزهای اُپاختر (شمالی) و دیگری در مرزهای نیمروزی (جنوبی) کشور بودند، شاهان قاجار را در چنگ خود داشتند.

* نا توانی شاه در اداره ی کشور و نگشودن دادگستری پایه و مایه ی بهانه گیری هایی شد. گروهی از طلاب در کلاتری گرد آمدند. در آنجا درگیری هایی پدید آمد، که به کشته شدن طلبه ای انجامید. در روز بردن پیکر طلبه نامبرده برای خاکسپاری در مسجد جامع زد و خوردهایی پیش آمد و پیرامون ۱۰۰ تن زخمی و ۲۲ تن هم کشته شدند. در پی این پرخاشگری ها طباطبایی، بهبهانی و برخی از آخوندهای دیگر به گُم (قم) رفتند و گروهی از بازرگانان و آخوندها هم در دفتر نمایندگی (سفارت) انگلستان به باغ قلهک رفته و در آنجا بست نشستند. نماینده ی (سفیر) آن زمان انگلستان در یادداشتی که به وزارت خارجه این کشور فرستاد، شمار آنان را بیش از ۱۴ هزار تن نوشته است.



دیگ هایی که برای آماده کردن خوراکِ بست نشینان، در سفارت انگلستان بر سر آتش هستند

* به هنگام پادشاهی پادشاهان ناکارآمد قاجار، که کشورداران آن زمان بودند، سپاهیان ایران در همه ی جنگ هایی که درگیر آن شدند، شکست خورده و ایران بخش هایی از سرزمین خود را از دست داد. اگر هم دلسوختگانی مانند امیرکبیر، قائم مقام فراهانی و حسین سپهسالار که هر یک از آنها نخست وزیر شایسته ای بود، پیدا شده و دست به آبادانی هایی زدند، کارشان به برکناری و از کار بیکار شدن و یا کشته شدن، انجامید.

* جنبش مشروطه و سرانجام آن، روزگاری از تاریخ ایران است که هنوز هم نیاز به بررسی های بسیار گسترده دارد. ولی با آزمون (تجربه) آن مردم ایران دریافتند با همبستگی و یاری گروه های گوناگون می توانند بر خواسته هایشان دست یابند و پیروز شوند.
نا گفته نماند که دست هایی از برون مرز در برپایی این جنبش کارساز بوده است.

فراهم کننده: ژاله دفتریان
امرداد ۲۵۸۰ ایرانی
اوت ۲۰۱۰ ترسایی